

و بعد لطف و افادت را بنهایت رسانیده يك فقره از آن کتاب را که مربوط بجزعه فشانی يك عده از جوانان یمامه است بر قبر اعشی شاعر معروف استخراج کرده برای حقیر فرستادند . ۱

بعد از درج مقاله آقای دکتر صدیقی اینک میپردازیم بنقل نوشته آقای دکتر

محمد معین:

يك رسم باستانی

استاد علامه آقای محمد قزوینی در مقاله (بعضی تضمینهای حافظ) در شماره ششم مجله یادگار (صفحه ۷۰) در ضمن بحث از بیت ذیل:

خاکیان بی بهره اند از جرعه کاس الکرام

این تطاول بین که باعشاق مسکین کرده اند

از رسم (ریختن جرعه شراب بر خاک) یاد کرده مرقوم داشته اند:

و گویا اصل خود این عمل یعنی افشاندن جرعه از شراب بر خاک پس از نوشیدن آن عادت بوده ایرانی چه در اشعار و اخبار عرب تا آنجا که راقم سطور بخاطر دارم (بدون ادعای استقراء) نشانی ازین مضمون و ازین عادت تا کنون بنظر منی آید دیده باشم و اگر یکی از فضلا و متبعین نشانی و اطلاعی از منشأ این عادت و غرض از آن داشته باشد و ما را از آن مستحصر کند بسیار متشکر خواهیم شد . اگر چه نگارنده کوچکتر از آنست که در ردیف «فضلا و متبعین» قرار گیرد معینا آنچه را بمطالعه دریافته و بعرض حضرت استاد رسانیده بر حسب دستور معظم له برای اطلاع خوانندگان آن مجله ذیلاً ثبت میکند .

این عادت نخست در میان ملت خوش ذوق یونان باستان نشأت یافته و مانند بسیاری از آداب باده نوشی بیا کوس رب النوع باده منسوب بوده است .

باکوس رب النوع
شراب

باکوس ۱ نام دیگر دیونیسوس ۲ یعنی خدا یا زئوس ۳ شهر نیساست. در داستانهای یونان آورده اند که بهنگام ولادت این رب النوع در تئوس ۴ چشمه از شراب از زمین بچو شد و چون او بزرگ شد مورا بکاشت و از آن نخستین نکتار ۵ زمینی را پدید آورد. از معجزات این پروردگار آن بود که با عصای خود بارها از خاک و تخته سنگها چشمه های شراب و آب آشکار میساخت، بهنگام ازدواج وی با آریادن ۶ از صخره ها نکتار جاری شد.

نخستین و مهمترین گیاهی که بدیونیسوس منسوبست مو می باشد چه چنانکه فیلوستراتس ۷ تصریح کرده شاخهای برگ دار آن تاج معمولی او و ملتزمین رگاب وی را تشکیل میداده، ازین رو صنعتگران یونان باستان مو را بانواع مختلف: با شاخه و برگ یا با خوشه انگور یا با هر دو بر روی ظروف و مسکوکات و غیرها مجسم ساخته اند. بر طبق روایات مونه تنها گیاه منسوب بدیونیسوس است بلکه عین او نیز می باشد و هموست که خورش در زیر چرخشت جریان یافته باده ناب را پدید می آورد.

مشهورترین افسانه که ازو روایت میکنند ملاقات اوست با ایکاریوس ۸ در آتیکا ۹ یعنی ولایت قدیم آتن که بهنگام پادشاهی پاندیون ۱۰ صورت گرفت:

ایکاریوس که نمونه برزیگران دلاور آتن بود زنی بنام پانوته ۱۱ و دختری

۱ - Bacchus - ۲ Dio + Nysos = Dionysos نام اصلی رب النوع فوق

۳ - Zeus رب الارباب یونانی، معادل Jupiter رومیان، که در ادبیات پارسی (زاوش) یعنی ستاره مشتری خوانده شده، در اینجا نام رب الارباب بعدای ناحیه نیسانده شده و نیسا Nysa نام محل افسانه مستط الراس و اقامتگاه دیونیسوس است.

۴ - Téos شهر قدیم یونانی که دروازه آسیای صغیر محسوب میشد و در ساحل

جنوب شرقی شبه جزیره کلازمن Clazomène واقع بوده و امروز Sedchidchik خوانده میشود

۵ - Nectar مشروب خدایان افسانه.

۶ - Ardiane - ۷ Philosrate - ۸ Icarus - ۹ Attique

۱۰ - Panothéa

۱۱ - Pandion

موسوم باریگون ۱ داشت. وی دیونیسوس را بسرای خویش دعوت کرد و از او و همراهانش پذیرائی شایان نمود. رب النوع مزبور بهنگام بازگشت (باده) را بعنوان هدیه گرانبها بدو بخشید و سپرد که آن گنج شایگان را در زیر خاک پنهان سازند مبادا که بدبختیهائی بدو روی آورد ۲ ولی او غفلت ورزیده شراب را در جایی که در دسترس کسان بود مخفی ساخت، شبانان آنرا یافته نوشیدند و مست شدند و بالنتیجه ایکاریوس را کشتند و جسدش را در چشمه ای انداخته آنرا از سنگ انباشتند.

اریگون، دختر ایکاروس یا سگش در جستجوی پدر همه جا شتافتند عاقبت گور او را در هیئته ۳ یافت و خود را بدرختی که پدرش را در زیر آن دفن کرده بودند بیاویخت.

دیونیسوس (و بر طبق برخی روایات زئوس) بنا بدرخواست او همه اشخاص این داستان سوزناک را با آسمان منتقل ساخته در ردیف ستارگان در آورد: ایکاروس را بصورت سماک راجع ۴، اریگون را بشکل عنذرا ۵ و سگ او را بهیأت شعرای یمانی ۶. یونانیان خاطره اریگون را در جشن ایورا ۷ تجدید میکردند و مدعی بودند که در ناحیه ایکاروس اولین موی که قهرمان مزبور بدستور دیونیسوس کاشته موجود بوده و آنرا بیکدیگر نشان میدادند.

از آلاتی که اختصاص بدیونیسوس دارد جام شراب است که در روی بسیاری از نقوش قدیمه دیده میشود.

۱ - Erigone - ۲ - اشاره و ایمانی است بمضرات شراب.

۳ - Hymette - کوهستان آتیکا که عسلهای آن معروف بوده

۴ - در یونانی Bootés و در لاتینی Arcturus بهترین ستاره صورت هوا

۵ - Vierge همان سنبله است که ششین صورت منطقه البروج باشد.

۶ - Sirius که در اوستا (تیشتریه) و در بهلوی و پارسی (تیشتر) در فرهنگها

بغلط بیشتر نوشته شده گردیده (رجوع شود بپشت ها تألیف آقای پور داود ج ۱ ص

۲۲۴-۲۳۶)

۷ - Aiora - ۷

یونانیان چون مو را گیاهی آسمانی تصور میکردند که بوساطت خاک بار میدهد و لطیفترین عصاره‌های نباتی را بنام (باده) بخاکیان تسلیم میکنند، ازینرو بعنوان سپاسگزاری از عطیه خداوند شراب بهنگام نوشیدن آن جرعه بر خاک می افشانند و بعبارت دیگر هدیه نثار میکردند ۲ چنانکه در موقع ذبح حیوانی قسمتی از گوشت او را قربانی خدایان قرار میدادند ۳.

نخستین کسیکه این رسم را جاری ساخت خود دیونیسوس بود، در نقشه‌های متعددی که در اعصار مختلف تمدن یونان از این رب النوع بجا مانده اغلب ساغری در دست او دیده میشود که گاهی از آن شراب را بروی زمین میریزد چنانکه در تصویر ذیل دیونیسوس سوار گاو نری است ۴، خوشه‌های انگور در جوانب او دیده میشود و جامی در دست دارد که محتوی آنرا بر خاک میریزد. بخصوص این نوع نقوش در روی ظروفی که دارای نقشهای سیاه قلم میباشد بسیار دیده میشود ۵ یونانیان بتقلید خدای خویش این رسم را در مورد همه مشروبات معمول میداشتند چنانکه سقراط حکیم (۴۷۰-۴۰۰ ق م)، همان فیلسوف بار یک بینی که بسیاری از اعتقادات و مراسم معاصران خود را بپاداسته‌زاه میگرفت تا بدان حد که سر خویش را در این راه بیاد داد نیز توانست ازین رسم خود داری کند ۶. افلاطون شاگرد او (۴۲۷-۳۴۷ ق م) در رساله مکالمه فیدون، در ضمن تشریح آخرین ساعات عمر سقراط چنین آورده:

۱ - مقایسه شود با داستان منقول در همین زمینه در نوروزنامه (ص ۶۵-۷۰) و راحة الصور (ص ۴-۴۲۳) و نغایس الفنون (ص ۲۰۹)

Libatio - ۲

۳ - رجوع شود: بفرهنگ آثار باستان یونان و روم جلد ۴ ص ۹۶۳

۴ - گاو نر (ورزاو) بعت قوت و نیروی بدن و فواید بسیار مظهر دیونیسوس محسوب میشده، چنانکه در آئین ایرانیان قدیم آمده: ایزد بهرام (ورترغنه) خود را بدو صورت (نشانه ده صفت) برترشت نمود، دومین بار بهیأت گاو نر (در اوستا بشکل GaushArshan = گاوگشن) بدو ظاهر شد.

۵ - رجوع شود بفرهنگ آثار باستان یونان و روم جلد ۱ ص ۶۲۵

دسقاط - ای اقریطون گرامی آنچه گفتم بکن و بیش ازین مرا

رنج مده .

اقریطون بیکی از بندگان خود که نزدیک بود اشاره کرد، وی بیرون رفت و پس از زمانی با کسیکه مأمور نوشاندن زهر بود برگشت، وی زهر را سائیده و در جامی کرده در دست گرفته بود . سقراط چون او را بدید گفت:

« آفرین، ایدوست تو که آشنا بموضوع هستی بگو چه بایدم کرد؟ » -
مأمور گفت: « کاری نداری جز اینکه چون نوشیدی باید راه بروی تا پایت سنگین شود، آنکاه بر تخت بخوابی . »



دیونوس در حال افشاندن شراب بر خاك

پس جام را بسقراط داد . اینخراطیس ۱ ، وی آنرا با کمال آرامی و بی هیچ لرزشی بگرفت، نه رنگش زرد شد نه چهره اش تغییر یافت . اما بدان مرد نظری - که اندکی پایین تر از عادت وی و همچون نگاه گاو نر ۲ بود - افکنده چنین گفت

۱ - Echécrate - ۲ - مراد از « نگاه گاونر » نگاه تهدید کننده

نیست (چنانکه در ادبیات لاتینی بدین معنی استعمال شده) بلکه این اصطلاح در مورد نظر مستقیم و شامل در ادبیات یونانی بکار میرفت چه گاونر مستقیماً به هدف خود مینگرد و از سوی دیگر چون چشماش بر جسته است بدون آنکه سر خود را باطراف بگرداند جوانب خود را می بیند .

« مرا بگو آیا دستتوری دارم که ازین مشروب بیاد خدا جرعه بر خاک افشانم ؟ »
 پاسخ داد : « ای سقراط اما همان قدر از آن میسائیم که برای نوشیدن کسان
 لازم است . - سقراط گفت : دانستم ، اما لااقل اجازه دارم که بدرگاه خداوندان دعا
 کنم که سفر مرا بخییر گردانند ... »

اما تأثیر عادات و افکار یونانی در ایران و در حقیقت روابط
 معنوی و فرهنگی ایندو ملت در دو مرحله انجام گرفته :
 نخست پس از فتح اسکندر و بهنگام پادشاهان سلوکیان
 (۳۳۱-۶۶ ق . م) که تمدن یونانی مستقیماً در ایران تأثیر کرد و از آن پس نیز در
 زمان اشکانیان (۲۵۶ ق . م - ۲۲۶ م) « یونان مآبی ۲ » مدتها ادامه یافت . دوم بهنگام
 خلافت عباسیان و در عصر ترجمه (قرن دوم و سوم هجری) که بعلت ترجمه کتب
 یونانی به عربی معارف آن ملت مع الواسطه بایران منتقل شد .

سرایت رسم
 مزبور بایران

در رساله های پهلوی که در دستت تا آنجا که نگارنده جستجو کرده اثری
 از این رسم ندیده است و متأسفانه در کتابهای ادبی و تاریخی فارسی پس از اسلام نیز
 که از آیین یاده نوشی [بر طبق مراسم کهن ایرانی] سخن رانده اند مانند : قابوسنامه
 (باب یازدهم) و سیاستنامه (فصل سی ام) و نوروزنامه (گفتار اندر منفعت شراب ۳)
 هم ذکری ازین عادت در میان نیست ولی چنانکه استاد علامه آقای قزوینی در مقاله
 سابق الذکر مرقوم داشته اند گویند گمان ایرانی مانند منوچهری و اثیر اومانی و
 و خاقانی و حافظ همه از این رسم در اشعار خود یاد کرده اند و از گفتار آنان نیک
 پیداست که رسم مزبور را بمنزله « نشانه جوانمردی » تلقی کرده خاک را از آن
 منتفع میدانستند . منوچهری گفته :

جرعه بر خاک همی ریزم از جام شراب
 جرعه بر خاک همی ریزند مردان ادیب
 خاک را از قدح مرد جوان مرد نصیب
 خاک را از قدح مرد جوان مرد نصیب
 و حافظ گفته :

۱ - رجوع شود بکتاب Phédon ترجمه Robin صفحه ۱۰۱ ، نا گفته نماند
 که در ترجمه مرحوم فروغی از قطعه فوق در حکمت سقراط (جلد اول چاپ دوم سال
 ۱۳۰۶ ص ۲۷۱) اندکی از اصل حذف شده است .

۲ - Hellenisme ۳ - نوروزنامه بتصحیح آقای مجتبی مینوی ص ۶۰ - ۷۰

اگر شراب خوری جرعه فشان بر خاک از آن گناه که نفعی رسد بغیر چه باک از قرآنی که در دستت نیک پیدا است که برخی دیگر از آداب باده نوشی یونانیان در میان مندوقان و ظرفای ایران معمول بوده چنانکه میگساری بیساده و بشادی بزرگان و پهلوانان و یاران نیز که هم اکنون در بسیاری از ملل شرق و غرب رایجست منشأ یونانی دارد ۲ همچنین در منتخب جواهر الاسرار که از کتاب مفتاح الاسرار تألیف حمزه بن علی ملک بن حسن آذری طوسی بسال ۸۴۰ تلخیص شده در ضمن تشریح بیت ذیل از حافظ:

ساقی حدیث سرو و گل و لاله می رود
وین بحث با ثلاثه غساله می رود
آمده است:

بدان که حکمای یونان در ترتیب تشریب اصطلاحی دارند که علی الصباح سه کاسه میخورند و آنرا ثلاثه غساله میگویند که غسل معده میکند و بعد از طعام پنج کاسه میخورند برای هضم طعام و آنرا خمسة هاضمه میگویند و بعد از آن هفت کاسه دیگر میخورند و آنرا سبعة نائمة میگویند و خواب میکنند..... ۴

بنابر آنچه گفته شد شکی باقی نمیماند که رسم (جرعه افشانی بر خاک) يك عادت یونانی و باعتبار دیگر آریائی محض است و باقوام سامی مانند عرب چنانکه

۱ - رودکی در قصیده خبریه معروف خود در حضور نصر بن احمد و شراب خوردن او بیاد امیر ابو جعفر احمد بن محمد پادشاه سیستان گوید:

زان می خوشبوی ساغری بستاند
خود بخوردنوش و اولیاش هیبدون
شادی بو جعفر احمد بن محمد
یاد کند روی شهریار سجستان
گوید هر يك چومی بگیرد شادان:
آن مه آزادگان و مقضر ایران <

رجوع شود بتاریخ سیستان بتصحیح آقای بهار ص ۳۱۶ - ۳۲۴ و رودکی تألیف

آقای نفیسی جلد ۳ ص ۱۰۱۱ - ۱۱۲

۲ - فرهنگ آثار باستان یونان و روم جلد ۳ ص ۹۶۳

۳ - ضمیمه اشعة اللغات ص ۴۰۹

۴ - سپس مؤلف بیت حافظ را بر طبق همین رسم یونانی تشریح میکند.

استاد علامه نیز در مقاله سابق الذکر تصریح فرموده‌اند ارتباط ندارد ۱

پس از درج شرحی که دوستان فاضل ما آقای دکتر صدیقی و آقای دکتر معین نوشته و تا حدی موضوع مانحن فیه را روشن ساخته‌اند علاوه می‌کنیم که سؤال

۱- رسم دیگری نیز که عبارت باشد از « ریختن شراب بر سر گور عزیزان » میان ملل ایران و عرب مشترک بوده، ولی ربطی برسم مذکور در این مقاله ندارد، در عقده‌الفرید (مصصح محمد سعیدالمریان سال ۱۳۵۹ ج ۸ ص ۶۵) آمده:

« ابو محجن الثقفی، وکان مغرمًا بالشراب، و قد حده سعد بن ابی وقاص فی الغمر مراراً و شهد القادسیة مع سعد، و ابلی فیها بلاه حسناً، وهو القائل:

اذا مت فادفنی الی ظل کرمة تروی عظامی بعد موتی عروقها

ولا تدفنی فی الفلاة، فانی اخاف اذا مت ان لا اذوقها

(از افادات استاد معظم آقای قزوینی) و نیز تنوخی گفته:

و اذا مت اسطحنانی و افرشا من غصون الکرّم تحتی فرشا

و اقطع مالی کفناً من زقها و انضحا منه علیه و ارششا

و ادقنایی یا اندیمی الی اصل کرم فرعه قد عرشا

لیظلّ الفرع منی ظاهراً و یرو الاصل منی المطشاً

و از ایات منسوب بحافظ (رجوع شود بحافظ چاپ قدسی ص ۴۵۷) قطعه ذیل است:

(دردیوان حافظ مصصح استاد علامه آقای قزوینی این قطعه نیست):

من از زانکه کردم بمستی هلاک با این مستان بریدم بخاک

بآب خرابات غسلم دهید پس آنگاه بردوش مستم نپید

ولیکن بشرطی که در مرگ من ننالذ بجز مطرب و چنک زن

بتابوتی از چوب تا کم کنید براه خرابات خاکم کنید

مریزید بر گور من جز شراب مبارید در ماتم جز رباب

تو خود حافظل سر زمستی متاب که سلطان نغواهد خراج از خراب

و امیر خسرو دهلوی در خسرو شیرین گفته:

چوزان میشود سفری گرم خیز یکی جرعه بر خاک خسرو بریز

چنانکه جناب آقای دکتر غنی نقل فرموده‌اند تا این اواخر در سیروار نیز این رسم

جاری بوده است.

حضرت استاد آقای قزوینی تا آنجا که ما دریافته ایم منحصرأ مربوط عبادت ریختن شراب بر خاک پس از صرف آن از طرف شرابخوارگان بوده یعنی کرم کردن جوانمردان جرعه نوش بوده است نسبت بخاک و تر کردن لبی از زمین نشنه کام و پرداختن خراج و ادای دین و قرضی نسبت بآن که موزاده و پرورده وی و رحمتی از جانب اوست. البته منشأ این عادت را از مطالعه نگاشته دهنویسنده محترم که نقل کردیم میتوانیم بدست آورد اما موضوع قربانی شراب برای مردگان و افشاندن آن بر گور عزیزی که دستشان از دنیا کوتاه و لبشان از بوسیدن لب جام محرومست و نوشیدن شراب بیاد دوستان و ندیمان دور یا مرده و ریختن شراب بر خاک بیاد گارایشان که در مقاله های مندرج در فوق و در آن حکایت افغانی و تاریخ سیستان و عقد الفرید و صدها مثل آن آمده بتصور ما چندان ارتباطی بعبادت مذکور در آن بیت حافظ که محل شاهد است ندارد.

با اینکه آقای دکتر معین در تحقیقات مفیده خود منشأ عادت ریختن شراب را بر خاک بعنوان اظهار حق گزاری از زوس رب الارباب یونانیان دانسته و تا کنون سندی برای قدمت این عادت در میان ایرانیان نیافته اند باز چندان بعید نمی نماید که این عادت از عادات مشترکه اقوام آریایی قبل از جدا شدن ایشان از یکدیگر بوده باشد و ممکن است که ایرانیان نیز مانند برادران یونانی خود آنرا از خیلی قدیم میشناخته بوده اند. بخصوص که مطابق تحقیق محققین جدید وطن اصلی مو سرزمین ایران است و دختر رزین برابر این سابقه اول بار در پناه خورشیدتابان این اقلیم بچهره کشائی و پرده دری قیام نموده بوده است.